رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۵، شماره پیاپی ۱۲۲، مرداد ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(5), 2026

مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند

Comparison of social development, emotional intelligence, and behavioral problems in preschool children from single-child and multi-child families

فرزانه آکار
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
مهین اکسیر (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Farzaneh Akar
M.A in Clinical Child and Adolescent Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
Mahin Exir *
Assistant Professor, Department of Psychology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
mahin.exir.145@gmail.com

چکیده
پژوهش حاضر با هدف مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند انجام شد. این مطالعه از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان پیش‌دبستانی شهر نی‌ریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۳ بود. از بین جامعه‌ی آماری نمونه‌ای شامل ۲۰۰ نوآموز (۱۰۰ نفر تک‌فرزند و ۱۰۰ نفر چندفرزند) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردید. داده‌ها با استفاده از مقیاس رشد اجتماعی (VSMS؛ واینلند، ۱۹۶۵)، پرسشنامه‌های هوش هیجانی (EIQ؛ سالووی و مایر، ۱۹۹۷) و مشکلات رفتاری کودکان فرم والدین (PBQ-PF، شهیم و یوسفی، ۱۳۷۸) گردآوری و با آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند در متغیرهای رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری تفاوت معناداری وجود داشت (p<۰/۰۵). میانگین رشد اجتماعی در گروه تک‌فرزند کمتر از گروه چندفرزند بود (p<۰/۰۵). همچنین میانگین هوش هیجانی در گروه تک‌فرزند کمتر از گروه چندفرزند گزارش شد (p<۰/۰۵). در مقابل، میانگین مشکلات رفتاری در گروه تک‌فرزند بیشتر از گروه چندفرزند بود (p<۰/۰۵). بنابراین، این نتایج بر اهمیت نقش ساختار خانواده در تبیین رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: *رشد اجتماعی، هوش هیجانی، مشکلات رفتاری، تک‌فرزند، چندفرزند، کودکان پیش دبستانی.*

Abstract
This study aimed to compare social development, emotional intelligence, and behavioral problems among preschool children from single-child and multi-child families. The study employed a causal-comparative design. The statistical population included preschool children in Neyriz city during the 2024–2025 academic year. From this population, a sample of 200 children (100 single-child and 100 multi-child) was selected using purposive sampling. Data were collected using the Vineland Social Maturity Scale (VSMS; Vineland, 1965), the Emotional Intelligence Questionnaire (EIQ; Salovey & Mayer, 1997), and the Parent Form of the Child Behavioral Problems Questionnaire (PBQ-PF; Shahim & Yousefi, 1999). Data were analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA). The findings showed a significant difference between preschool children from single-child and multi-child families in social development, emotional intelligence, and behavioral problems ($p < 0.05$). The mean social development score in the single-child group was lower than that of the multi-child group ($p < 0.05$). Similarly, the mean emotional intelligence score in the single-child group was lower than that in the multi-child group ($p < 0.05$). In contrast, the mean behavioral problems score in the single-child group was higher than that of the multi-child group ($p < 0.05$). Therefore, these findings highlight the importance of family structure in explaining social development, emotional intelligence, and behavioral problems among preschool children.

Keywords: *Social Development, Emotional Intelligence, Behavioral Problems, Single-Child, Multi-Child, preschool children.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** بهمن ۱۴۰۴ | **پذیرش:** اردیبهشت ۱۴۰۵ | **ویرایش نهایی:** مرداد ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

مقدمه

در سال‌های اخیر به دلایل مختلفی مانند اشتغال والدین، مشکلات اقتصادی و تغییر نگرش‌ها نسبت به فرزندآوری، تمایل خانواده به داشتن بیش از یک فرزند کاهش یافته و پدیده تک‌فرزندی بیش از گذشته رواج یافته است (لانزالئون و کانتارروپریتو[1]، ۲۰۲۵). تعداد فرزندان در یک خانواده و پیامدهای روانشناختی، فردی و اجتماعی آن از جمله مسائل پیچیده‌ای است که همواره توجه اندیشمندان و محققان علوم انسانی را به خود جلب کرده است (هژبرخواه و همکاران، ۱۴۰۲). ساختار خانواده‌های چندفرزند در مقایسه با تک‌فرزند، فرصت‌های بیشتری برای تجربه روابط اجتماعی، رقابت سازنده، همکاری و یادگیری هیجانی فراهم می‌آورد (رااو[2] و همکاران، ۲۰۲۴). کودکان چندفرزند، به سبب تعامل مستمر با خواهران و برادران، در مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله اجتماعی و تنظیم هیجان‌ها رشد بیشتری دارند. در مقابل، کودکان تک‌فرزند معمولاً در محیط‌های خانوادگی ساکت‌تر و فردی‌تر رشد می‌کنند، که ممکن است فرصت‌های تمرین مهارت‌های اجتماعی و هیجانی را محدود سازد (سونگ[3] و همکاران، ۲۰۲۵).

از جمله بنیادی‌ترین ابعاد تحول انسان، رشد اجتماعی[4] و هوش هیجانی[5] است؛ زیرا این دو مؤلفه نه‌تنها بنیان روابط بین‌فردی و انطباق هیجانی را شکل می‌دهند، بلکه مسیر شخصیتی و رفتاری فرد را در سراسر زندگی تعیین می‌کنند. کودک در سال‌های نخست زندگی، به‌ویژه در دوره پیش‌دبستانی، در جریان تعامل با دیگران و درک هیجانات خویش و اطرافیان، مهارت‌های اجتماعی و هیجانی را فرا می‌گیرد. پژوهش‌های روان‌شناسی رشد نشان داده‌اند که تعاملات روزمره کودک با والدین، مربیان و همسالان، سکوی اصلی شکل‌گیری توانایی ارتباط مؤثر با محیط و درک هیجان‌ها محسوب می‌شود (گیولای[6] و همکاران، ۲۰۲۱).

در این مرحله حساس، هوش هیجانی به عنوان توانایی تشخیص، درک و تنظیم هیجان‌ها و استفاده سازنده از آن‌ها در موقعیت‌های اجتماعی، به‌طور مستقیم بر سازگاری روانی و اجتماعی کودک اثر می‌گذارد (پرگانتیس و دریگاس[7]، ۲۰۲۳). گولمن[8] (۲۰۲۱) خاطرنشان می‌کند که هوش هیجانی از دوران کودکی، زیربنای رشد شخصیت و انگیزش اجتماعی فرد را می‌ریزد. کودکانی که توانایی درک هیجان‌های خود و دیگران را دارند، در روابط گروهی موفق‌تر عمل می‌کنند، در مواجهه با ناکامی‌ها کنترل بیشتری نشان می‌دهند و در روند یادگیری اجتماعی و هیجانی رشد بهتری خواهند داشت (وراکسا[9] و همکاران، ۲۰۲۵). روشن رشیدی[10] و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «مقایسه میزان پرخاشگری، هوش هیجانی و هوش شناختی در دختران نوجوان تک فرزند و چند فرزند (مورد مطالعه: جزیره کیش)» به این نتایج دست یافتند که بین پرخاشگری، هوش هیجانی و هوش شناختی در دختران نوجوان تک فرزند و چند فرزند تفاوت وجود دارد نتایج نشان داد که پرخاشگری، هوش هیجانی و هوش شناختی در دختران نوجوان چند فرزند بیشتر از دانش‌آموزان تک فرزند است. از این رو می توان گفت که دانش‌آموزان چند فرزند به دلیل ارتباط بیشتر در خانواده دانش بیشتری از طریق بازی‌ها و استفاده از هوش شناختی بزرگترها و همسالان کسب می‌کنند لذا میزان پرخاشگری آنها نیز کمتر از دانش‌آموزان چند فرزند است. پارسامهر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مقایسه اضطراب و هوش هیجانی در بین پسران تک فرزند و چند فرزند اراک» به این نتایج دست یافتند که بین هوش هیجانی و اضطراب دانش‌آموزان تک فرزند و چند فرزند تفاوت معناداری وجود دارد، به این صورت که هوش هیجانی دانش‌آموزان چند فرزند بیشتر از تک فرزند است. همچنین اضطراب دانش‌آموزان چند فرزند کمتر ازدانش‌آموزان تک فرزند است. همچنین بین مولفه‌های هوش هیجانی در دانش‌آموزان چند فرزند و تک فرزند با اضطراب رابطه معکوس وجود دارد. سانگول و بیوکار[11] (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «هوش هیجانی در تعداد خواهر و برادر و جنسیت: یک مطالعه مقایسه‌ای» به این نتایج دست یافتند که تک‌فرزندان نسبت به فرزندان دارای خواهر و برادر به طور معنی‌داری از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند. بین جنسیت و تعداد خواهر و برادر تفاوت معناداری وجود نداشت. ماماتها و شیواکیومارا[12] (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ترتیب تولد بر هوش هیجانی در میان نوجوانان

1 . Lanza-León & Cantarero-Prieto
2 . Rao
3 . Song
4 . social development
5 . emotional intelligence
6 . Gülay
7 . Pergantis & Drigas
8 . Goleman
9 . Veraksa
10 . Roshan Rishahri
11 . Sangol & Burkar
12 . Mamatha & Shivakumara

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

هندی» به این نتایج دست یافتند که تفاوت‌های معناداری در هوش هیجانی بین نوجوانان متولد شده در ترتیب تولدهای مختلف وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که تک فرزندان میانگین نمرات بالایی در هوش هیجانی دارند. متولدین وسط هوش هیجانی نمره بالایی دارند. فرزندان آخر کمترین میانگین نمره را در هوش هیجانی دارند.

از سوی دیگر، رشد اجتماعی کودک شامل یادگیری نقش‌ها، هنجارها، مسئولیت‌ها و رفتارهای اجتماعی پذیرفته‌شده در جامعه است (سیاخرانی و اسلان[1]، ۲۰۲۴). در نظریه‌های جدید روان‌شناسی رشد، این مؤلفه به عنوان نتیجه تعامل فعال میان کودک و محیط اجتماعی تعریف می‌شود، که در آن کودک مهارت‌های ارتباطی، همدلی، سازگاری و خودکنترلی را در روابط بین‌فردی کسب می‌کند (تابر[2]، ۲۰۲۵). محیط خانواده نخستین بستر اجتماعی‌سازی کودک است و کیفیت آن در شکل‌گیری سالم مهارت‌های اجتماعی و هیجانی وی نقش محوری دارد (ساپیوترا[3]، ۲۰۲۵). جهانیسراتاپه و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «مقایسه رشد اجتماعی و همدلی کودکان در خانواده های تک فرزند و چند فرزند)» به این نتایج دست یافتند که بین رشد اجتماعی کودکان خانواده‌های چند فرزند و فرزندان تک فرزند تفاوت معناداری وجود ندارد و همچنین تفاوت معناداری در همدلی بین کودکان وجود ندارد.

از سوی دیگر، مشکلات رفتاری[4] یکی از پیامدهای مهم رشد نامتوازن هیجانی–اجتماعی در دوران کودکی به‌شمار می‌آید (شنگ[5] و همکاران، ۲۰۲۲). این مشکلات معمولاً در قالب رفتارهای برون‌نمودی مانند پرخاشگری، نافرمانی، بیش‌فعالی و تکانشگری، یا درون‌نمودی مانند اضطراب، کناره‌گیری اجتماعی و افسردگی بروز می‌کنند (ویو[6] و همکاران، ۲۰۲۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها، ضعف در مهارت‌های اجتماعی و محدودیت در تعاملات بین‌فردی، از مهم‌ترین پیش‌بین‌های بروز مشکلات رفتاری در کودکان هستند (رونگساتاتارم[7] و همکاران، ۲۰۲۵). ساختار خانواده و به‌ویژه تک‌فرزند یا چندفرزند بودن می‌تواند در شکل‌گیری یا تعدیل مشکلات رفتاری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. کودکان خانواده‌های چندفرزند، به دلیل قرار گرفتن در موقعیت‌های تعاملی مکرر، یادگیری حل تعارض، رعایت نوبت و کنترل تکانه‌ها، معمولاً فرصت بیشتری برای تمرین رفتارهای سازگارانه دارند. در مقابل، کودکان تک‌فرزند ممکن است به دلیل تمرکز بیشتر والدین، انتظارات بالاتر یا فرصت‌های محدودتر برای تعامل با همسالان در محیط خانواده، با چالش‌هایی در خودتنظیمی رفتاری مواجه شوند که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مشکلات رفتاری شود (ژو[8] و همکاران، ۲۰۲۵؛ ژانگ[9] و همکاران، ۲۰۲۵؛ چانگ[10] و همکاران، ۲۰۲۵). در میان عوامل خانوادگی اثرگذار، تعداد فرزندان خانواده شاخصی کلیدی محسوب می‌شود؛ به این معنا که در ایران، طی دهه‌های اخیر تغییرات جمعیتی قابل‌توجهی به وقوع پیوسته است؛ کاهش نرخ زاد و ولد و تمایل خانواده‌ها به داشتن یک فرزند، به ظهور جامعه‌ای با الگوی تک‌فرزندی منجر شده است.

با وجود تأکید پژوهش‌های پیشین بر نقش تعاملات خانوادگی در رشد هیجانی–اجتماعی کودکان، همچنان ابهاماتی درباره تفاوت‌های احتمالی کودکان تک‌فرزند و چندفرزند در ابعاد رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری، به‌ویژه در دوره پیش‌دبستانی و در بافت‌های فرهنگی کمتر بررسی‌شده، باقی مانده است. بخش قابل توجهی از مطالعات یا تنها بر یک مؤلفه متمرکز بوده‌اند یا نتایج متناقضی درباره پیامدهای تک‌فرزندی و چندفرزندی گزارش کرده‌اند که امکان تعمیم و کاربرد عملی آن‌ها را محدود می‌سازد. پژوهش حاضر با بررسی همزمان این سه مؤلفه در کودکان پیش‌دبستانی، تلاش می‌کند به تبیین دقیق‌تر الگوهای رشد و سازگاری کودکان در ساختارهای متفاوت خانواده کمک کرده و بخشی از این خلأ پژوهشی را پوشش دهد. نتایج این مطالعه می‌تواند به‌طور مستقیم در شناسایی کودکان در معرض خطر مشکلات رفتاری و هیجانی، طراحی مداخلات پیشگیرانه در مراکز پیش‌دبستانی و برنامه‌های آموزش والدین مورد استفاده قرار گیرد و به‌صورت غیرمستقیم، مبنایی برای تصمیم‌گیری مربیان، مشاوران، روان‌شناسان تربیتی و برنامه‌ریزان آموزشی در جهت ارتقای کیفیت تعاملات خانوادگی و بهبود رشد همه‌جانبه کودکان فراهم آورد. با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر نی‌ریز انجام شد.

1 . Syakhrani & Aslan
2 . Taber
3 . Saputra
4 . behavioral problems
5 . Sheng
6 . Wu
7 . Rungsattatharm
8 . Zhu
9 . Zhang
10 . Chang

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع علّی ـ مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر نی‌ریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۳ بود. بر اساس اطلاعات اخذ شده از اداره آموزش و پرورش، تعداد کل نوآموزان ۴۲۹ نفر گزارش شد که شامل ۱۷۵ کودک تک‌فرزند و ۲۵۴ کودک چندفرزند بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح خطای ۰/۰۵، ۱۹۱ نفر برآورد گردید. با این حال، به‌منظور تشکیل دو گروه قابل مقایسه و افزایش قدرت آزمون آماری، در نهایت ۲۰۰ نوآموز به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند که شامل ۱۰۰ کودک تک‌فرزند و ۱۰۰ کودک چندفرزند بودند. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد؛ بدین صورت که پژوهشگر پس از مراجعه به مراکز پیش‌دبستانی شهر نی‌ریز و هماهنگی با مدیران مراکز، فهرست کودکان واجد شرایط را بر اساس نوع ساختار خانواده (تک‌فرزند یا چندفرزند) تهیه کرد و سپس از میان آن‌ها کودکانی که معیارهای ورود به پژوهش را داشتند، به‌صورت هدفمند انتخاب شدند تا در نهایت تعداد مساوی از هر دو گروه در نمونه حضور داشته باشد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: ۱) اشتغال به تحصیل در دوره پیش‌دبستانی در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۳، ۲) قرار داشتن در دامنه سنی ۴ تا ۶ سال، ۳) تک‌فرزند بودن یا داشتن حداقل یک خواهر یا برادر برای گروه چندفرزند، ۴) نداشتن سابقه اختلالات رشدی یا روان‌شناختی شدید بر اساس پرونده آموزشی و گزارش والدین، و ۵) رضایت آگاهانه والدین برای شرکت کودک در پژوهش بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل: ۱) ناقص بودن پرسش‌نامه‌ها، ۲) عدم همکاری والدین در تکمیل ابزارها، و ۳) انصراف والدین از ادامه مشارکت در هر مرحله از پژوهش بود. در راستای رعایت ملاحظات اخلاقی، هدف پژوهش به‌طور کامل برای والدین توضیح داده شد و تأکید گردید که مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه است و آن‌ها می‌توانند در هر مرحله از پژوهش بدون هیچ پیامدی از ادامه همکاری انصراف دهند. همچنین به والدین اطمینان داده شد که اطلاعات جمع‌آوری‌شده صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده می‌شود و تمامی پاسخ‌ها محرمانه باقی خواهد ماند. به‌منظور حفظ محرمانگی، پرسشنامه‌ها بدون نام و نام خانوادگی تکمیل شدند و داده‌ها به‌صورت کدگذاری‌شده مورد تحلیل قرار گرفتند. علاوه بر این، کد اخلاق پژوهش از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز با شماره IR.IAU.SHIRAZ.REC.1404.102 اخذ شد. در نهایت داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و به کمک آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری و تحلیل واریانس یک‌راهه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

مقیاس رشد اجتماعی واینلند[1] (VSMS): این مقیاس نخستین بار توسط دول (۱۹۵۳) طراحی شده و نسخه اصلی آن شامل ۱۱۷ گویه متناسب با گروه‌های سنی مختلف است که ابعاد مختلف رشد اجتماعی از جمله خودیاری عمومی، خودیاری در خوردن و لباس پوشیدن، ارتباط، جهت‌یابی، تحرک، اشتغال و اجتماعی‌شدن را ارزیابی می‌کند. در پژوهش حاضر، متناسب با دامنه سنی کودکان پیش‌دبستانی، ۲۱ گویه مربوط به سنین ۳ تا ۷ سال انتخاب شد که توسط والدین تکمیل می‌شود. شیوه نمره‌گذاری گویه‌ها بر اساس مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت انجام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گزینه «کاملاً نادرست» نمره ۰، «تا حدودی نادرست» نمره ۱، «تا حدودی درست» نمره ۲ و «کاملاً درست» نمره ۳ دریافت می‌کند. دامنه نمرات قابل کسب در این نسخه بین ۰ تا ۶۳ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر رشد اجتماعی کودک است. روایی سازه این ابزار در نسخه اصلی از طریق محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص‌های رشد اجتماعی بررسی شد که نتایج نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین ابعاد مختلف مقیاس بوده و ضرایب همبستگی در دامنه ۰/۴۵ تا ۰/۶۸ گزارش شده است. همچنین پایایی ابزار از طریق روش بازآزمایی در فاصله زمانی دو هفته‌ای برابر با ۰/۸۹ و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آمده است که بیانگر ثبات و هماهنگی درونی مطلوب ابزار می‌باشد. در ایران نیز ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در مطالعات مختلف بررسی شده و نتایج نشان‌دهنده روایی و پایایی مناسب آن است. در پژوهش نادری و همکاران (۱۳۹۷) روایی محتوایی ابزار تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۰ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

1 . Vineland Social Maturity Scale

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

پرسشنامه‌ی هوش هیجانی[1] (EIQ): پرسشنامه هوش هیجانی سالوی و مایر[2] (۱۹۹۷) یک ابزار خودگزارشی برای ارزیابی توانایی افراد در تشخیص، درک و تنظیم هیجان‌های خود و دیگران است. نسخه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۱۴ گویه بوده و بر مبنای سه خرده‌مقیاس اصلی نظریه سالوی و مایر طراحی شده است: ادراک هیجان، تسهیل هیجان، و مدیریت هیجان. با این حال، در نسخه اختصاری ۱۴ گویه‌ای که در ایران رایج است، کلید نمره‌گذاری رسمی تفکیک‌شده برای استخراج زیرمقیاس‌ها ارائه نشده و عملاً نمره کل به‌عنوان شاخص اصلی هوش هیجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گویه‌ها بر اساس یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از «هرگز» (نمره ۰) تا «همیشه» (نمره ۴) نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمره کل این نسخه برابر با ۰ تا ۵۶ است و کسب نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر هوش هیجانی فرد است. در نسخه اصلی، پایایی پرسشنامه در پژوهش سالوی و مایر (۱۹۹۷) مطلوب گزارش شده است؛ به‌گونه‌ای که ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۸۸ به‌دست آمده است. همچنین روایی همگرای این ابزار از طریق همبستگی آن با پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن بررسی شد که ضریب همبستگی ۰/۶۴ گزارش گردیده است. در ایران نیز ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار بررسی شده است. خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۹۱) پایایی پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش کردند و ضریب همبستگی ۰/۶۱ را برای روایی همگرای آن به دست آوردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان فرم والدین[3] (PBQ-PF): پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان توسط شهیم و یوسفی (۱۳۷۸) بر روی والدین کودکان (ترجیحا مادران) با هدف بررسی مشکلات رفتاری کودکان ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه است که بر روی مقیاس ۳ درجه‌ای لیکرت (هرگز۰، بعضی اوقات۱، بیشتر اوقات=۲) نمره‌گذاری می‌گردد. این پرسشنامه دارای محتوای مثبت و منفی است و محتوی مثبت به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در مطالعه اولیه سازندگان ابزار، روایی محتوایی پرسشنامه با نظر متخصصان حوزه روان‌شناسی کودک تأیید شد. همچنین برای بررسی پایایی ابزار از دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ گزارش گردید. پایایی بازآزمایی نیز با فاصله زمانی دو هفته بر روی یک نمونه مشابه انجام شد که ضریب همبستگی ۰/۷۷ به‌دست آمد و نشان‌دهنده ثبات زمانی مطلوب ابزار است (شهیم و یوسفی، ۱۳۷۸). همسانی درونی نمره کل این آزمون در پژوهشی حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد.

یافته ها

بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داد که دو گروه از نظر سن (p=۰/۷۶۴، χ^2=۰/۴۴۶) و سطح سواد مادر (p=۰/۴۵۸، ۰/۷۶۴-=χ^2) و جنسیت (p=۰/۱۷۹، χ^2=۱/۰۰۹) با آزمون خی‌دو همتا شده‌اند. در گروه گروه تک فرزند ۵۰ نفر دختر (۵۰ درصد) و ۵۰ نفر پسر (۵۰ درصد) حضور داشتند. در گروه چندفرزند ۵۰ نفر دختر (۵۰ درصد) و ۵۰ نفر پسر (۵۰ درصد) حضور داشتند. در گروه تک فرزند ۴۰ درصد کودک ۴ ساله (۴۰ نفر)، ۳۵ درصد ۵ ساله (۳۵ نفر) و ۲۵ درصد کودک ۵ ساله (۲۵ نفر) حضور داشتند. در گروه چندفرزند ۴۰ درصد کودک ۴ ساله (۴۰ نفر)، ۴۰ درصد ۵ ساله (۴۰ نفر) و ۲۰ درصد کودک ۵ ساله (۲۰ نفر) حضور داشتند. میانگین و انحراف معیار سنی شرکت‌کنندگان در گروه تک‌فرزند ۵/۷۹ و ۱/۳۳ بود. میانگین و انحراف‌معیار سنی شرکت‌کنندگان در گروه چندفرزند ۶/۳۴ و ۱/۱۶ بود.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی و هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	کجی	کشیدگی
رشد اجتماعی	گروه تک فرزند	۳۷/۵۸	۶/۳۹	۱۰۰	-۰/۸۶	۱/۸۶
	گروه چند فرزند	۵۲/۳۷	۴/۱۶	۱۰۰	۰/۵۳	-۰/۹۸
هوش هیجانی	گروه تک فرزند	۳۲/۳۵	۵/۶۹	۱۰۰	-۱/۱۸	۰/۵۶
	گروه چند فرزند	۳۹/۰۹	۶/۹۲	۱۰۰	۰/۴۶	۱/۲۳

1 . Emotional Intelligence Questionnaire
2 . Salovey & Mayer
3 . Questionnaire of Behavioral Problems of Children – Parent Form

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

مشکلات رفتاری	گروه تک فرزند	۲۱/۵۷	۴/۰۰	۱۰۰	-۱/۶۷	۰/۳۲
	گروه چند فرزند	۱۷/۸۴	۳/۹۸	۱۰۰	۰/۴۳	۱/۶۵

همانطور که در جدول ۲، نشان داده شده است میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی گروه تک فرزند ۳۷/۵۸ و ۶/۳۹ و میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی گروه چند فرزند ۵۲/۳۷ و ۴/۱۶ می‌باشد. میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی گروه تک فرزند ۳۲/۳۵ و ۵/۶۹ و میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی گروه چند فرزند ۳۹/۰۹ و ۶/۹۲ می باشد. میانگین و انحراف معیار مشکلات رفتاری گروه تک فرزند ۲۱/۵۷ و ۴/۰۰ و میانگین و انحراف معیار مشکلات رفتاری گروه چند فرزند ۱۷/۸۴ و ۳/۹۸ می باشد. میزان کجی و کشیدگی نیز خبر از نرمال بودن داده ها می دهد. قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس چند متغیره، به منظور بررسی رعایت پیش‌فرض‌های لازم از آزمون‌های کولموگروف‌اسمیرنف و لون استفاده شد. آزمون کولموگروف‌اسمیرنف برای توزیع متغیرهای پژوهش در پس‌آزمون نشان داد، فرض نرمال بودن توزیع متغیرها رد نمی‌شود (P≤۰/۰۵). در بررسی پیش‌فرض همگنی واریانس‌های خطا از آزمون لون استفاده شد. نتایج این آزمون مشخص کرد، فرض همگنی واریانس‌ها رد نمی‌شود (P≤۰/۰۵). بررسی میزان کجی و کشیدگی متغیرها نشان داد، که مقدار آن بین ۲ و ۲- می باشد که میتوان گفت داده ها دچار کشیدگی و کجی نیستند (P≤۰/۰۵)، بنابراین پیش‌فرض‌های لازم به منظور اجرای آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره وجود داشت.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره جهت

آزمون	مقدار	F	Df e	P	اندازه اثر	توان آماری
پیلایی	۰/۶۷۰	۲۱۱/۲۹۶	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱
لامبدای ویلکس	۰/۳۳۰	۲۱۱/۲۹۲	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱
تی هاتلینگ	۱/۹۹۹	۲۱۱/۲۹۶	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱
ریشه ی روی	۱/۹۹۹	۲۱۱/۲۹۲	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱

در جدول شماره ۲ جهت مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج جدول ۲ نشان میدهد سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (p≤۰/۰۰۱) کوچکتر از سطح معناداری(α=۰/۰۵) می باشد بنابراین می‌توان گفت بین کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند از نظر حداقل یکی از متغیرهای رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری تفاوت وجود دارد. میزان اندازه اثر نشان میدهد که اثر متغیر مستقل بر وابسته ۶۷ درصد بوده است. جهت بررسی اینکه کدام متغیرها در دو گروه تفاوت معنی دار دارند در ادامه یک آزمون تحلیل واریانس یک متغیره نیز انجام شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس تک متغیره در دو گروه

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	مقدار P	اندازه اثر
رشد اجتماعی	۷۸۵/۳۳۸	۱	۷۸۵/۳۳۸	۳۷۵/۷۲۷	≤۰/۰۰۱	۰/۷۶۵
هوش هیجانی	۴۵۳/۰۰۹	۱	۴۵۳/۰۰۹	۵۶/۴۹۲	≤۰/۰۰۱	۰/۳۲۱
مشکلات رفتاری	۳۱۱/۶۷۶	۱	۳۱۱/۶۷۶	۳۳/۷۷۹	≤۰/۰۰۱	۰/۲۹۸

با توجه به نتایج جدول ۳، مشخص شد که مقدار F در نمره رشد اجتماعی[F=۳۷۵/۷۲۷ ، p<۰/۰۰۱)] معنادار شده است. همچنین مقدار F در نمره هوش هیجانی [F=۵۶/۴۹۲ ، p<۰/۰۰۱)] معنادار شده است. همچنین مقدار F در نمره مشکلات رفتاری [F=۳۳/۷۷۹ ، p<۰/۰۰۱)] معنادار شده است. با توجه میانگین های مشاهده شده دو گروه می توان گفت میزان رشد اجتماعی و هوش هیجانی در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند به صورت معناداری کمتر از کودکان خانواده های چندفرزند می‌باشد. اما میزان مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند به صورت معناداری بیشتر از کودکان خانواده های چندفرزند می‌باشد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر نی‌ریز انجام شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که کودکان خانواده‌های چندفرزند در نمره کل رشد اجتماعی بالاتری داشتند. این یافته با نتایج پژوهش‌های رااو و همکاران (۲۰۲۴) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۴) همسو است که نشان دادند حضور خواهر و برادر، فرصت‌های طبیعی‌تری برای تمرین مهارت‌های اجتماعی، همدلی و سازگاری اجتماعی فراهم می‌آورد. در مقابل، نتایج مطالعه جهانیسراتاپه و همکاران (۲۰۲۳) که تفاوت معناداری بین کودکان تک‌فرزند و چندفرزند گزارش نکردند، با یافته‌های پژوهش حاضر ناهمسو است. این ناهمسویی می‌تواند ناشی از تفاوت در بافت فرهنگی، دامنه سنی نمونه‌ها و ابزارهای سنجش رشد اجتماعی باشد؛ به‌ویژه آن‌که در فرهنگ ایرانی، تعاملات خانوادگی و خویشاوندی نقش پررنگ‌تری در اجتماعی‌شدن کودک ایفا می‌کند.

در تبیین یافته‌ی بدست آمده می‌توان اینگونه بیان کرد که بر اساس دیدگاه بندورا، کودکان از طریق مشاهده و تقلید رفتار دیگران، به‌ویژه افراد نزدیک در محیط خانواده، الگوهای رفتاری اجتماعی را می‌آموزند. در خانواده‌های چندفرزند، وجود خواهر و برادر فرصت مشاهده، الگوبرداری و بازخورد رفتارهای اجتماعی را بیشتر فراهم می‌سازد؛ به همین دلیل، کودکان چندفرزند در مواجهه با چالش‌های تعامل اجتماعی، از تجربیات متنوع‌تری برای مدیریت موقعیت‌های بین‌فردی برخوردارند. در مقابل، کودک تک‌فرزند صرفاً در تعامل با والدین قرار دارد که معمولاً تعاملاتشان از نظر هیجانی و اجتماعی از الگوی هم‌سطح هم‌سالان متفاوت است، ازاین‌رو مهارت‌های ارتباطی و انطباق اجتماعی در این گروه ممکن است دیرتر یا محدودتر رشد یابد (سونگ و همکاران، ۲۰۲۵). از منظر دیدگاه ویگوتسکی نیز یادگیری اجتماعی و رشد شناختی کودک در «حوزه‌ی مجاور رشد» از طریق تعامل با دیگران اتفاق می‌افتد. در محیط خانوادگی چندفرزند، وجود هم‌سالان نزدیک به‌منزله‌ی منبعی طبیعی برای شکل‌گیری رشد اجتماعی است، زیرا هر کودک در تعاملات روزمره با خواهران یا برادران خود، به چالش‌های اجتماعی و هیجانی مختلفی روبه‌رو می‌شود که موجب ارتقای مهارت‌های ارتباطی و همکاری می‌گردد (رااو و همکاران، ۲۰۲۴). این فرایند به تدریج توانایی‌های همدلی، خودکنترلی، و حل تعارض اجتماعی را در کودک تقویت می‌کند. بر اساس مدل‌های نظری تابر (۲۰۲۵) و ساپیوترا (۲۰۲۵)، رشد اجتماعی کودک پیامد مستقیم تجربه‌های اجتماعی در بستر خانواده است و ساختار چندفرزندی بسترهای لازم برای این تجربه را فراهم می‌کند. بنابراین، نتایج این فرضیه را می‌توان گواهی بر اهمیت خانواده‌های چندفرزند در شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی دانست؛ مهارت‌هایی که در آینده پایه‌گذار روابط سالم مدرسه‌ای و اجتماعی خواهند بود.

علاه‌براین، یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های چندفرزند به‌طور معناداری بالاتر از کودکان تک‌فرزند است. این یافته با نتایج پژوهش‌های پارسامهر و همکاران (۱۳۹۸)، روشن رشیدی و همکاران (۲۰۲۴) و وراکسا و همکاران (۲۰۲۴) همسو است که نشان داده‌اند تعاملات مکرر با اعضای خانواده و همسالان، نقش مهمی در رشد توانایی‌های هیجانی کودکان ایفا می‌کند. همچنین، رااو و همکاران (۲۰۲۴) و گولمن (۲۰۲۱) تأکید دارند که یادگیری هیجانی در بستر تعاملات بین‌فردی و از طریق دریافت بازخورد هیجانی شکل می‌گیرد؛ فرایندی که در روابط خواهر و برادری فرصت‌های بیشتری برای تمرین مؤلفه‌هایی مانند همدلی، کنترل هیجانی و شادکامی فراهم می‌سازد.

این یافته را می‌توان در چارچوب مدل توانایی‌محور هوش هیجانی تبیین کرد که هوش هیجانی را حاصل رشد تدریجی توانایی‌هایی مانند ادراک هیجان‌ها، فهم علل و پیامدهای هیجانی و تنظیم پاسخ‌های هیجانی در تعامل با دیگران می‌داند (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). رشد این توانایی‌ها مستلزم قرارگرفتن کودک در موقعیت‌های هیجانی متنوع، تکرارشونده و اجتماعی است که او را به شناسایی هیجان‌های خود و دیگران، پیش‌بینی پیامدهای هیجانی رفتار و به‌کارگیری راهبردهای تنظیمی سوق می‌دهد؛ فرایندی که در بستر روابط اجتماعی نزدیک شکل مؤثرتری می‌یابد (گولمن، ۲۰۲۱). در خانواده‌های چندفرزند، تعامل روزمره با خواهر و برادر کودک را در معرض تجربه‌هایی مانند همکاری، تعارض، مذاکره و حمایت عاطفی قرار می‌دهد که هر یک زمینه‌ای طبیعی برای تمرین مهارت‌هایی نظیر همدلی، کنترل هیجان و تنظیم تکانه فراهم می‌کند (یو و همکاران، ۲۰۲۴). تداوم این تعاملات، به درونی‌سازی راهبردهای تنظیم هیجان و ارتقای شایستگی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

هیجانی منجر می‌شود، زیرا کودک پیامدهای هیجانی رفتار خود را در روابط هم‌سطح تجربه و اصلاح می‌کند (هوو و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، در خانواده‌های تک‌فرزند، تعامل غالب با والدین و بزرگسالان ـ به دلیل عدم تقارن نقش‌ها و قدرت ـ فرصت کمتری برای تمرین مهارت‌های هیجانی در روابط هم‌سالانه فراهم می‌آورد و این امر می‌تواند رشد برخی مؤلفه‌های هوش هیجانی را محدود سازد (سانگول و همکاران، ۲۰۲۳).

در نهایت، یافته‌های پژوهش نشان داد کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند به‌طور معناداری مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به کودکان خانواده‌های چندفرزند دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های شنگ و همکاران (۲۰۲۲)، ویو و همکاران (۲۰۲۵) و رونگساتاتارم و همکاران (۲۰۲۵) همسو است که افزایش مشکلات رفتاری و ضعف در خودتنظیمی هیجانی را در کودکان تک‌فرزند گزارش کرده‌اند. تبیین این الگو را می‌توان بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی و تفاوت در الگوهای تعاملات خانوادگی توضیح داد؛ به‌گونه‌ای که در خانواده‌های چندفرزند، کودک در تعاملات روزمره با خواهر و برادرها به‌طور مداوم در موقعیت‌هایی مانند رقابت، همکاری، تعارض و مذاکره قرار می‌گیرد و همین تجربه‌های مکرر فرصت مناسبی برای تمرین مهارت‌هایی نظیر مهار تکانه‌ها، رعایت نوبت، حل تعارض، پذیرش قواعد مشترک و تنظیم هیجان‌های منفی فراهم می‌کند (شنگ و همکاران، ۲۰۲۲). تکرار این موقعیت‌ها به تدریج موجب درونی‌سازی هنجارهای رفتاری، تقویت خودتنظیمی شناختی–هیجانی و کاهش رفتارهای مسئله‌ساز می‌شود. در مقابل، در خانواده‌های تک‌فرزند بخش عمده تعاملات کودک با بزرگسالان است که معمولاً ساختارمندتر و همراه با هدایت و حمایت مستقیم والدین است و در نتیجه فرصت‌های کمتری برای تجربه تعارض هم‌سطح، مذاکره اجتماعی و یادگیری پیامدهای رفتاری در بستر تعاملات هم‌تراز فراهم می‌شود؛ شرایطی که می‌تواند به کاهش فرصت تمرین خودتنظیمی، تحمل پایین‌تر ناکامی و در نهایت بروز رفتارهایی مانند پرخاشگری، لجبازی یا کناره‌گیری اجتماعی در برخی کودکان تک‌فرزند بینجامد (ویو و همکاران، ۲۰۲۵؛ رونگساتاتارم و همکاران، ۲۰۲۵).

در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که ساختار خانوادگی نقش مهمی در شکل‌دهی رشد اجتماعی و هیجانی و بروز مشکلات رفتاری کودکان دارد. خانواده‌های چندفرزند با ایجاد فرصت‌های تعامل، همدلی و یادگیری اجتماعی، مسیر رشدی سالم‌تر را برای کودکان پیش‌دبستانی فراهم می‌کنند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی و مداخلات روانی برای دوره‌ی پیش‌دبستانی، بسترهایی برای تقویت تعاملات گروهی، آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی و شبیه‌سازی تجربیات چندفرزندی در کلاس‌های تک‌فرزندان فراهم گردد، تا کمبودهای ناشی از ساختار خانواده در رشد اجتماعی و هیجانی آنان جبران شود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند اشاره کرد؛ در این روش نمونه‌ها بر اساس ملاک‌های مشخص انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی از کل جامعه آماری برگزیده نشدند، بنابراین تعمیم نتایج به همه کودکان پیش‌دبستانی باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط والدین گردآوری شد که ممکن است تحت تأثیر برداشت‌ها و قضاوت‌های شخصی پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و در جوامع آماری گسترده‌تر استفاده شود تا تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد و نیز نقش عوامل دیگری مانند وضعیت اشتغال مادران یا گذراندن دوره پیش‌دبستانی در رشد اجتماعی و هوش هیجانی کودکان مورد بررسی قرار گیرد. از نظر کاربردی، لازم است برنامه‌های آموزشی هدفمند برای مربیان پیش‌دبستانی جهت تقویت مهارت‌های اجتماعی و هیجانی کودکان تدوین شود، کارگاه‌های آموزشی برای کودکان تک‌فرزند و والدین آنان برگزار گردد، و محیط‌های یادگیری به‌گونه‌ای طراحی شود که تعامل اجتماعی و تجربه‌ی هیجانات مثبت را از طریق فعالیت‌های گروهی، قصه‌گویی، ایفای نقش و بازی تقویت کند. اجرای منظم برنامه‌های ارزیابی و بازنگری در مهدکودک‌ها نیز می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف و ارتقای اثربخشی مداخلات آموزشی منجر شود.

منابع

خدایاری‌فرد، م.، منظری توکلی، و.، و فراهانی، ح. (۱۳۹۱). بررسی اعتبار و روایی نسخه فارسی مقیاس خودکارآمدی هیجانی. مجله روانشناسی، ۱۶(۱)، ۷۰-۸۳. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/891075/

شهیم، س.، و یوسفی، ف. (۱۳۷۸). پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی ویژه والدین. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱(۲۹)، ۱۹-۳۲. https://www.sid.ir/paper/426337/fa

هژبرخواه، ام.، قهاری، ش.، معمایان، ن.، و لطفی، م. (۱۴۰۲). مقایسه رابطه والد - فرزندی، سبک‌های هویت و شفقت به خود نوجوانان خانواده‌های تک فرزند و چند فرزند. مجله رویش روانشناسی، ۱۲(۱)، ۱-۱۰. URL: http://frooyesh.ir/article-1-4306-fa.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

Chang, S., Jiang, Y., Huang, T., Ho, K., Tan, Y., Zhu, L., ... & Kang, J. (2025). Anxiety and depression in only children versus children with siblings: A cross-sectional study among Chinese medical students. *Public health*, *239*, 162-168. DOI: 10.1016/j.puhe.2024.11.012

Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ.* New York, NY: Bantam Books. https://www.amazon.com/Emotional-Intelligence-Matter-More-Than/dp/055338371X

Goleman, D. (2021). *Emotional intelligence: 25-year edition.* New York, NY: Bantam Books. https://www.amazon.com/Emotional-Intelligence-Daniel-Goleman/dp/1526633620

Gülay, H., Şahin, F., & Öztürk, I. (2021). Social competence and peer relationships in preschool children. *Early Child Development and Care, 191*(10), 1637–1650. DOI:10.1002/pits.10120

Howe, N., & Recchia, H. E. (2023). Sibling interactions as contexts for socioemotional development: A cross-cultural update. *Child Development Perspectives, 17*(3), 181-189. https://doi.org/10.1111/cdep.12456

Jahaniseratapeh, S., Amiri Naniz, F., Askari, M., & Moghaddam, N. (2023). *A Comparison of Social Development and Empathy in Children from Single-Child and Multi-Child Families*. The First International Conference on Applied Psychology, Zahedan. https://elmnet.ir/doc/10628683-11454

Lanza-León, P., & Cantarero-Prieto, D. (2025). The loud silent side of single parenthood in Europe: health and socio-economic circumstances from a gender perspective. *Journal of Family and Economic Issues*, *46*(2), 479-491. DOI:10.1007/s10834-024-09954-y

Mamatha, j. & Shivakumara, k. (2022). The Effect of Birth Order on Emotional Intelligence among Indian. *International Journal for Research Trends and Innovation*, Vol 7 (5), 2456-3315. https://www.ijrti.org/papers/IJRTI2205068.pdf

Moradi, M. (2018). Psychometric properties of the Vineland Social Maturity Scale among preschool children in Iran. *Journal of Developmental Psychology*, 15(2), 85–102. https://doi.org/10.22059/jdp.2018.245678

Pergantis, P., & Drigas, A. (2023). Sensory integration therapy as enabler for developing emotional intelligence in children with autism spectrum disorder and the ICT's role. *Brazilian Journal of Science*, *2*(12), 53-65. DOI: https://doi.org/10.14295/bjs.v2i12.422

Rao, W. W., He, F., Qi, Y., Lok, G. K. I., Jackson, T., Zheng, Y., & Xiang, Y. T. (2024). Mental health among school children and adolescents in China: A comparison of one-child and multiple-children families from a nationwide survey. *Asian Journal of Psychiatry*, *100*, 104130. DOI: 10.1016/j.ajp.2024.104130

Roshan Rishahri, A., & Zahmatkesh, Y. (2024). *A Comparison of Aggression, Emotional Intelligence, and Cognitive Intelligence among Adolescent Girls from Single-Child and Multi-Child Families (Case Study: Kish Island).* The 21st National Scientific-Research Conference on Psychology and Educational Sciences, Shirvan. https://civilica.com/doc/2101778/

Rungsattatharm, L., Tasingha, P., Trairatvorakul, P., & Chonchaiya, W. (2025). Longitudinal associations between executive function and positive parenting during early childhood and resilience, self-regulation, and behavioral problems in school-age children. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, *19*(1), 19. DOI: 10.1186/s13034-025-00875-8

Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality, 9*(3), 185–211. https://doi.org/10.2190/DUGG-PX9H-8DHC-GX63

Sangol, P., & Burkar, K. (2023). Emotional intelligence differences among single-child and multi-child families: A cross-cultural perspective. *Psychology and Education, 60*(2), 102-114. https://doi.org/10.5281/zenodo.10204587

Sangole, O. & Borkar, V. N. (2023). Emotional Intelligence in Number of Siblings and Gender: A Comparative Study. *The International Journal of Indian Psycholo*gy, Vol 11 (1), 1987-1979. DOI: 10.25215/1101.195

Saputra, E. E. (2025). The impact of Montessori based learning on early childhood cognitive and social development. *Jurnal E-MAS (Edukasi dan Pembelajaran Anak Usia Dini)*, *1*(1), 13-22. DOI: https://doi.org/10.64690/e-mas.v1i1.28

Sheng, L., Yang, B., Story, M., Wu, W., Xi, X., Zhou, Y., ... & Liu, Q. (2022). Emotional and behavioral changes and related factors of firstborn school-aged compared to same age only children. *Frontiers in Public Health*, *10*, 822761. DOI:10.3389/fpubh.2022.822761

Song, Y., Guo, L., Zhu, H., & Yu, B. (2025). Only child or multiple children? The number of children and cognition in older Chinese parents. *Australasian Journal on Ageing*, *44*(1), e70009. https://doi.org/10.1111/ajag.70009

Syakhrani, A. W., & Aslan, A. (2024). The impact of informal family education on children's social and emotional skills. *Indonesian Journal of Education (INJOE)*, *4*(2), 619-631. https://www.injoe.org/index.php/INJOE/article/view/153

Taber, K. S. (2025). Mediated learning leading development—The social development theory of Lev Vygotsky. *In Science education in theory and practice: An introductory guide to learning theory* (pp. 275-292). Cham: Springer Nature Switzerland. DOI:10.1007/978-3-030-43620-9_19

Veraksa, A. N., Plotnikova, V. A., Sukhikh, V. L., Kornienko, D. S., & Rudnova, N. A. (2025). Non-therapeutic play to overcome negative emotional symptoms and improve emotional intelligence in children aged 3–7: A systematic review. *Frontiers in Psychology*, *16*, 1475387. DOI: 10.3389/fpsyg.2025.1475387

Wu, Q., Radey, M., McWey, L., & Millender, E. F. (2025). Within-family processes among safety nets, maternal parenting stress, and child behavioral problems among low-income families: The importance of race and ethnicity. *Family Process*, *64*(1), e13056. DOI: 10.1111/famp.13056

Yang, B., Ollendick, T. H., Dong, Q., Xia, Y., & Lin, L. (1995). Only children and children with siblings in the People's Republic of China: Levels of fear, anxiety, and depression. *Child development*, *66*(5), 1301-1311. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/7555217/

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]

Yu, T., Liu, H., & Wang, Q. (2024). Sibling presence and social competence among preschoolers: Evidence from Chinese families. *Early Childhood Research Quarterly, 66*, 237-247. https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2023.06.012

Zhang, C., Chen, J., & Lai, Y. (2025). Father involvement and depressive symptoms in Chinese rural children: Examining peer relationships as a mediator and only-child status as a moderator. The British Journal of Social Work, bcaf062. DOI:10.1093/bjsw/bcaf062

Zhang, M., Zhang, C., & Liu, Y. (2024). From one-child policy to three-children initiative: a feminist critique of the population planning policies in China. *Communication, Culture & Critique*, *17*(2), 103-111. https://doi.org/10.1093/ccc/tcae014

Zhu, L., Huang, M., Fang, Z., Tong, J., Pan, Z., Hua, L., ... & Jin, Y. (2025). Exploring the relationship between aggressive behavior, family parenting styles, and self-esteem among only-child college students in China: A cross-sectional study. *Psychology Research and Behavior Management*, 435-448. doi: 10.2147/PRBM.S505802

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-09-08]